

## بسم رب الشهداء

آنچه می آید زندگی سراسر تلاش و پویای برادر شهید عاشق آل محمد (ص) احمد اقتداری مربی و استاد اخلاق و شهاست و ایثار است.

شهید احمد در آبان ماه ۱۳۳۳ در خانواده ای متوسط و مذهبی در خیابان طالقانی اصفهان متولد شد پدرش در تیمچه ای کشفی می کرد و احمد نیز مدتی شاگردی پدر می کرد دوران دبستان را در مدرسه علیه بسربرد و پس از آن به دبیرستان احمدیه رفت و از آنجا که افقهای یابنده گی و نیاز به مطالعه در او شعله کشید در سال ۱۳۵۱ دیپلم طبیعی با معدل بالا گرفت و همان سال وارد رشته علوم آزمایشگاهی وزارت بهداشتی در چهارچوب تعهد خدمت شد که بعد از دو سال مجددا در کنکور رشته علوم آزمایشگاهی موفق و از قید محدودیت در رژیم بدر آمد و وارد دانشگاه اصفهان شد.

چهار سال درس آزمایشگاه خواند و همزمان خود در آزمایشگاه الهی آزموده شد.

احمد پس از ورود به دانشگاه بازمینه های مناسب فکری که از قبل در خانواده و همچنین مطالعه کتابهای مذهبی مخصوص کتابهای استاد مطهری، دکتر شریعتی کسب کرده بود مستعد برای مبارزات و تلاش های فکری پربارتری شد.

بعلت جو خفقان حاکم از رژیم ستم شاهی نتوانست بخوبی مبارزه را آغاز کند پس از آزادی تعدادی از دانشجویان همراه با آنان مبارزه بر علیه رژیم آمریکائی شاه را آغاز کرد در اکثر تظاهرات دانشجویی شرکت می جست و همراه با آن از دستیابی و آگاهی بر اصول و تعالیم مکتب نیز غافل نبود.

چرا که میدانست مبارزه بدون مکتب و تعالیم آن نمیتواند راهگشای خوبی برای انسان و جامعه باشد.

او دانشگاه را به محلی برای رشد و تعالی شخصیت والای انسانی تبدیل نمود، بهر حال پس از کسب شناختی عمیق از مکتب و بدست آوردن تجربیاتی عملی از دانشگاه فارغ التحصیل شد و دور از هر عنوانی راهی خدمت سربازی گشت، در همین حال شهید احمد عزیز به فعالیت در کتابخانه مسجد الحبيب (محلّه نو) می پرداخت و مربی و استاد خوب اعضاء بود و علاوه بر آن برادری مهربان و صادق برای بچه های مسجد بود و در کتابخانه کتاب عشق به شهادت و حب آل محمد (ص) را تعلیم تشنگان ولایت و امامت میکرد. از شاگردان ممتازش میتوان برادر شهید اصغر شفیعی را نام برد که افتخار وصی بودن او را نیز بعد از شهادتش یافت و همراه شهیدان راه حق برادر حسن بنیانیان و رهپیمای و همزم برادر شهید حبیب خلیفه سلطانی بود و از وی تفسیر قرآن و نهج البلاغه را فرا گرفت در سربازی هنگامی که انقلاب اسلامی ایران در حال پیشرفت و شکوفائی بود و اوج فریاد اکبر امت مسلمان عالمگیر شده و رهبر بزرگ انقلاب امام خمینی دستور فرار از سربازی را دادند با تنی چند از مخلصان دیگر امام سربازخانه را رها کرد و سربازی امام را افتخار یافت و به مبارزه علنی پرداخت حال آنکه در طول سربازی از حکم اولیاء شیطان همواره سر باز می زد و به زندان سربازخانه می افتاد.

احمد در این موقع با بچه های پاک مسجد همت به تشکیل شرکت تعاونی اسلامی در مسجد الحبيب (محلّه نو) داد تا بتواند به خانواده های مستضعف محلی کمکی کرده باشد.

در همین حال شبها با برادران شهید حسن بنیانیان، حبیب خلیفه سلطانی، اصغر شفیعی، اکبر روغنی و دیگر عزیزان ره یافته به پاس از محل می پرداخت و یا بیشتر مواقع پاس بیشتری می پذیرفت. گوئی میخواست در دل شب با خدای خویش

پیمان بندد و ندای اولیاء... را به گوش جان بشنود و آواز دهد که لامعبودا لاسواک و چنین کرد.

اعلامیه های رهبر را همراه با کمکهای مالی به مردم می رساند تا بالاخره انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. او با زبفرمان امام کبیرمان مبنی بر بازگشت به پادگانها به سر بازی بازگشت و بقیه خدمتش را دا و طلبان نه در میناب یکی از شهرهای بندرعباس ادا مه داد. در آنجا نیز روز و شب به روشن نمودن مردم بخصوص جوانان پرداخت و بدین خاطر هر شب جلسات مطالعه و دعا و تفسیر قرآن برپا می داشت.

احمد در فرصتهای مناسب جوانان حزب... را با خود به کوه می برد تا با سیر در زمین (قل سیر وافی الارض) و دیدن عظمت الهی دل از دنیای بی بنیان از بنیان برکنند و با قلب پراز عشق و ایمان به خدای بزرگ تار رسیدن به معشوق پر کشند.

بعد از خدمت سر بازی در سپاه پاسداران شهر پاسداران، اصفهان به پاسداری از اسلام و قرآن پرداخت و با تشکیل بسیج مستضعفین مسئولیت بسیج مناطق دو، یک اصفهان را بعهده گرفت.

آنگاه آیات قرآن در وجودش آتش هجرت را دوباره فروزان کرد و راهی سرزمین محروم کردستان شد که خود بارها در نامه هایش توصیه به توجه به این منطقه و نجات آن از دست عناصر آمریکارا می نماید.

و در آنجا نیز با روشن ساختن افکار عمومی مردم و با برخورد های اسلامی انقلابی خود مقدار زیادی از فریب خوردگان را شیفته خود کرد تا آنجا که شهد شهادت را نوشیدند او با اینکه امتیازات بیشتری بردیگران داشت اما هیچ وقت به عنوان امام در جلوصف جماعت نمی ایستاد هر چه به او اصرار می کردند او می گفت من صلاحیت ندارم و این از خصایص مردان

خداست اما از آنجا که شهیدان قبل از شهادتشان آگاهی می -  
یابند نماز آخرین را که می ایستند نماز اول را بجا می آورند  
برای نماز دوم احمد به جلو صف می رود و پس از اینکه مقداری  
قرآن را تفسیر می کند می گوید به خاطر اینکه آخرین نماز را  
می خوانم به عنوان امام جماعت جلو می ایستد و نماز دوم  
را اقامه می کند و این چیزی نیست مگر همان عشق و ورزیدن  
به معبود و مخلص بودن در برابر او و همان شب در یکی از  
ارتفاعات محور بانه سردشت در اثر ترکش خمپاره به شهادت  
می رسد .

این افتخار بر احمد فرزند امت محمد (ص) مبارک باد .

اخلاص عمل به محضر یار بیار

بگذر ز زبان ، دل سوی لدار بیار

در بحر دل اگر گوهر صدقی داری

ما طالب او نیم و خریدار بیار

# ربنا لا تکفنی علی نفسی ترفه عین ابداء

با قلبی پراز درد و چشمی گریان ودلی که عاشق شهادت است  
می نویسم .

برادر بیا (برو) تا خودت ببینی و ساخته بشوی بنظر بنده  
بهترین مکان خود سازی جبهه های جنگ است دیدم زخمی بیشتر  
از خود بفکر برادر زخمی دیگرش است و می گوید او را اول به پزشک  
برساند .

خدا انسان را با سرما ، گرسنگی ، ترس امتحان می کند البته  
شرایط اولیه پذیرش خود فرد می باشد (انسان باید بخواهد تا  
بشود) انسان باید بخاطر خدا با خشنودی از ترکشهای آرزوی  
و تک تیرهای دشمن استقبال کند ، تا وقتی دشمن خون آشام  
دیوانه وار با تمام قوا حمله می کند قدرت پذیرش داشته باشیم  
روحیه را از دست ندهیم و تا نابودی آنها مقاومت نمائیم  
برادران ما مسلح به پر قدرت ترین سلاح (ایمان) می باشند .  
میزان کارائی انسان در جبهه جنگ مشخص می شود نه در یک محیط  
آرام نباید سست شوی ، باید پیشروی کنی ولی نه از روی حسا-  
سات بلکه با نقشه و حساب شده شهدا را از میان رگبار دشمن خارج  
کنی و نترسی چرا که خدا با ماست گلوله کفشی را پاره می کند و  
به پا آسیب نمی رسد و یا چپیه دورگردن را می سوزاند و به گردن  
آسیب نمی رسد چرا که مقدر نیست .

ترسیدن با احساساتی شدن تفاوت دارد وقت انسان کار  
خطرناکی انجام می دهد از روی احساس ولی موقع دیگر فکر می-  
کند تصمیم می گیرد و انجام می دهد پس از فکر کردن و مشورت  
نمودن با توکل به خدا انجام می دهد .

خوش بوداگر محک تجربه آید به میان

# اسما عیل قربانی میشود!!

۶۱/۳/۱۹

"زمان درگیری با دشمن" زمان انجام مراسم حج است حج زندگی حج حیات و از بهترین لحظات زندگی است این حج با مراسم حج در عید قربان هر سال تفاوت دارد در آن حج با زاء هراشتباه باید گوسفند قربانی داد و در این در ازاء هراشتباه باید انسان قربانی داد. یک نقشه حساب نشده یک خطای کوچک را با یک خون جبران کرد. با خون اسما عیل بهترین فرزندان برایم و در این زمان با خون بهترین فرزندان خمینی عزیز، روح خدا، امام امت نجات دهنده کشتی انقلاب به امر خدا.

نحوه رفتار ما بعنوان پاسدار بسیار مهم است ضد انقلاب اعمال ما را با ذره بین ارزیابی می کند اشتباهات را بزرگ جلوه داده و از اسلام می راند. بنظر من بایستی مقررات بسیار مهمی برای برادران مشخص شود و تخلف از مقررات مجازات داشته باشد.

## دنیا آموزشگاه - جنگ دانشگاه

امروز آموختم که دنیا آموزشگاه است آموزشگاهی به مدیریت خدا و با معلمینی همچون پیغمبران و امامان با کتاب قرآن، و درس توحید، عدل، نبوت و امامت و معاد و غیره جبهه جنگ دانشگاهی است بریاست خدا و استادانی همچون هابیل، ابراهیم محمد (ص)، علی (ع)، حسین (ع) و... مهدی (عج) و نایبش امام خمینی عزیز و کتاب، قرآن و درس، جهاد و ایثار که عصاره توحید، عدل و نبوت و امامت و معاد است.

فقط تعدادی به دانشگاه راه می یابند و نیز تعدادی معدود از راه یافتگان دانشگاه مدرک می گیرند. مدرکی که با خون نوشته شده مدرک شهادت، مدرک گیرنده استادمی شود حسین زمان می شود (میثم، سلمان، ابوذر) زمان می شود استاد شد

... می‌خواهد. در ضمن بنظر من کسی که دانشگاه بیاید و مدرک نگیرد حق منت گذاشتن بر مردم را ندارد و پیش خدا شرم‌منده است که سستی و بی‌لیاقتی از خودش بوده است.

اقوام روزگاری به صحرا روند و باغ صحرا و باغ زنده دلان کوی دلبر است

آری برادر هر کسی افتخار شهادت پیدا نمی‌کند. با اینکه شهدای بدر، کربلا، سنندج و کربلای ایران خونین شهر با کمال صداقت و خلوص با حالی ایثارگران جان خود را فدای اسلام و قرآن نمودند ولی متأسفانه بسیاری از مایه قرآن (ولایتمنی - تستکثر) را فراموش می‌کنیم و برخدا و مردم منت می‌نهیم و این یکی از عوامل عدم موفقیت ما می‌باشد.

### جمهوری اسلامی عراق

برای جمهوری اسلامی عراق و خطرات آن بیشتر از جمهوری اسلامی ایران نگران هستم به چند دلیل که یکی از مهمترین آنها نداشتن رهبری چون روح خدا کسیکه همه مدیون او هستیم آری خمینی عزیز چندین بار انقلاب اسلامی ایران را از انحراف نجات داد.

## دربخورد با مغرضین

برادران و خواهران مومن و متعهد و معتقد به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه از شما می‌خواهم هر کس در هر لباس جملاقی از قبیل اینکه خمینی جوانان را به کشتن می‌دهد یا روحانیت جوانان را به کشتن می‌دهند با او صحبت کنید شاید هدایت شود و چنانچه صادقانه و بدون اینکه نفس شما بر شما تسلط پیدا کند تشخیص داده این مطالب را مغرضانه مطرح می‌کنند توی دهن او بزنید باشد که آرام گیرد.

خدا یا چه بنویسم چگونه بنویسم غم گلویم را می‌فشارد و اشک در چشمانم حلقه زده سرا سر وجودم سرشار از کینه نسبت به

ستکبرین جهان و ضدا انقلاب داخلی میباشد، خدایا اقرار می -  
کنم که مسلمانی حقیقی نیستم با اینکه مسلما نمولی ایمان  
واقعی را پیدا نکرده ام ، خدایا از تو میخواهم ما را هدایت  
فرمائی و صبر و استقامت بما عطا فرمائی .

خدایا پا برهنگان یاران خمینی هستند همچنانکه پا برهنگان  
یاران محمد (ص) بودند . ننگ و نفرین بر شما سلطنت طلبان  
و مزدوران شیطان بزرگ ، مرگ بر شما که خلق مستضعف کردستان  
را گمراه نموده اید، خدایا شهدای این انقلاب را با یاران  
امام حسین (ع) محشور بگردان .

خدایا کسانیکه نا آگاهانه بخون شهیدان خیانت می کنند هدایت  
فرما . خدایا کسانیکه آگاهانه به خون شهیدان خیانت می کنند  
ریشه کن بگردان .

## عطر خون می بویم از گلزار عشق

خدایا تنها حربهء تبلیغاتی ما در کردستان خونمان  
بوده است آمزیکه تمام توان خود را جهت نابودی انقلاب  
اسلامی ایران بکار گرفته است ولی تا حال قطرات پاک خون  
شهیدان انقلاب روی سنگفرش خیابانها و کوچه های سنندج و  
بیابانهای کردستان حیلله های آمریکا را نقش بر آب کرده است  
کردستان خونستان است چهارهزار شهید کم نیست از وقتی به  
کامیاران نزدیک میشوی بوی خون به مشامت می رسد خون پاک  
ترین و بهترین فرزندان اسلام و قرآن انقلاب را در کردستان  
آبیاری نموده است .

خدایا : چنان بینش و شعور و ایمانی به ما عطا کن که خون  
شهیدان را پایمال ننمائیم .

خدایا : بما کمک کن که آیه ۲ سوره صف شامل حال ما نشود .

یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لاتفعلون .

خدایا : پل صراط از موباریکتر است راه انبیاء



# امید به رحمت حق

خدایا : پل صراط از موباریکتر است راه انبیاء بسیار دقیق و احتمال انحراف همیشه وجود دارد زیرا نفس اماره و شیطان همیشه در فکر انحراف هستند همچنانکه آدم را منحرف کردند خداوند فقط از تو میخواهم که از اشتباهات و گناهان من بگذری که تحمل عذابت را ندارم . خداوند : بنده ای ضعیف و شرمنده ام آبروئی ندارم ولی به رحمت تو امیدوارم .

خداوند هر کس به من تهمت زده یا غیبت کرده تا آنجایی که بخودم مربوط است و به اسلام ضربه زده است رضایت دارم چنانچه به اسلام ضربه زده هر طور صلاح می دانی و خداوند : هر کس به هر که بتواند تهمت میزند و هر کس به فکر خویش است . بندگان مومن اندکند . خداوند : ترا قسمت می دهم به مومنین و مقربین درگاهت از گناهان من بگذری . خداوند : خودت خوب می دانی چه روزهای را شام کرده ام و چه شبهای را صبح کرده ام و حالا می دانی چگونه زندگی می کنم . خدایا : درد دل خود را برای که بگویم چه کسی غیر از تو سزاوار شنیدن درد دل من می باشد .

خدایا مسئولیتی بس سنگین بدوش دارم . به یاد دارم رجائی عزیز زمانی که نخست وزیری را قبول کردم گفت من حاضرم آبروی خود را برای اسلام بدهم . خدایا جان دادن آسانتر از آبرو دادن است ولی با همه سختی و آگاهی نسبت به عواقب آن این مسئولیت را پذیرفتم امیدوارم پیش تو آبروئی پیدا کنم . خدایا به من کمک کن که هر روز بیشتر از روز گذشته ترا پرستش کنم . خدایا آرزو می کنم زمانی جان به جان آفرین تسلیم نمایم که رضایت تو حاصل شده باشد و زمانی تو راضی هستی که قرآن از من راضی باشد که رسول الله از من راضی باشند که دوازده امام از من راضی باشند و زمانی اینها راضی هستند که نایب الامام خمینی از من راضی باشد . خدایا تو خود گواهی که از زمانیکه

نسبت به مسائل آشنا شدم. تا حال هیچکس را بیشتر از امام خمینی قبول نداشته‌ام و به هیچ گروهی به جز روحانیت مبارز علاقه نداشته‌ام. خدایا گواهی که همیشه آنچه فکر می‌کرده‌ام ظاهر کرده‌ام و هیچگاه فکرم را مخفی نکرده‌ام.

هر در که ز من صاحب آن خانه توئی تو  
هر جا که رویم پرتو کا شانه توئی تو  
مقصود من از کعبه و بتخانه توئی تو  
مقصود توئی کعبه و بتخانه بهانه

هفته‌ها (امت) افکار را خیلی ظریف در جهت خود می‌کشد.  
از اولین شماره ۱۶ امت با این هفته‌ها آشنا شدم و با توجه به اینکه نقاط ضعف دولت را مطرح می‌نمود مورد قبول قرار گرفت البته هر چه می‌نوشت قبول نداشتم ولی اکثر مطالب را قبول داشتم موضع گیری در مورد لانه جاسوسی و غیره ولی پس از مطالعه چند هفته‌ها متوجه شدم اینهم خطی است به نام اسلام به نام پشتیبانی از روحانیت مبارز و امام خمینی ولی در باطن فقط شورای رهبری خود را قبول دارد و با کوبیدن خمینی نماها یاران امام را می‌کوبد و امام خمینی را قبول دارد که در خط جنبش مسلمانان مبارز باشد بعضی صحبت‌های امام را قبول دارد و آنهایی که مخالف نظرات سازمان است خیلی مرموزانه اشتباه جلوه می‌دهد. تا اینکه جنگ ایران و عراق شروع شد. با یکی از آنها صحبت کردم و گفتم میخواهم به جبهه بروم گفت این جنگ را آمریکا ایجاد کرده و پس از آزادی گروه‌ها خاتمه می‌یابد. ولی پس از انتشار نشریه نظرا و تغییر کرد زیرا نشریه جنگ را تأیید کرده بود این هفته‌ها افکار را خیلی ظریف در جهت خود می‌کشد. از وقتیکه فهمیدم این گروه نیز روش و نقطه نظرهایی خود را بر ترا ز روش و نقطه نظرهای امام می‌دانند و

اما می راقبول دارد که در خط گروه باشد دیگر فهمیدم که شیطان از راههای مختلف به منظور انحراف افکار وارد میشود و این راه یکی از راههای شیطان است .

## جنبش مسلمانان مبارز

آنچه میدانم این است که روش جنبش مسلمانان مبارز در بر خورد با مسائل روش حزب توده است . با این تفاوت که جنبش مسلمانان مبارز لباس اسلام برتن کرده است . و خطرای سازمان از خطر جنبش ملی منافقین بیشتر است زیرا که منافقانه تر عمل می نماید . خداوند آنچه نا آگاهانها این راه می روند آنها را هدایت بفرما و چنانچه آگاهانها این چنین عمل می نمایند نقشه های شان را به خودشان برگردان .

خداوند : تو آ مرزنده و مهربان گناهان ما را ببخش و خیانت کاران را به سزای اعمالشان برسان دوستان عزیز شام غریبان را فراموش نکنید و این شب را قدر بدانید و از خداوند طلب مغفرت کنید .

جزوهای از سپاه بدستم رسید در این جزوه علت تعطیل هفته نامه امت توضیح داده بود اول فکر کردم دولت تعطیل نموده است پس از مطالعه متوجه شدم خط نفاق مسیر خود را باز دنبال می کند و چون با وجود امام نمی تواند جوابگوی جوانان مومن و معتقد به ولایت فقیه باشد با نقشه ای دقیق و حساب شده تصمیم به تعطیل نشریه خود می گیرد برادران عزیز شما را هشدار میدهم از آئینده این گروه که چنانچه براه راست هدایت نشود نقشه ای بزرگ برای بعد از امام در سردارند زیرا وجود ما مسدی در مقابل حرکات منافقانه آنها میباشد .



## بسم الله الرحمن الرحيم

ونفس وما سويها . فإلهمها فجورها وتقويها . قد افلح من  
زكيا . وقد خاب من دسيها . "سوره شمس آيات ۷-۱۰"

حمد و سپاس خدای را که انسان را آفرید سپس هدایت فرمود . سلام  
بر پیا مبران الهی از آدم تا خاتم محمد بن عبدالله (ص) . درود  
به ا دامه دهندگان راه انبیاء از علی (ع) تا مهدی (عج) و نائب  
بر حق امام زمان روح الله کسی که اسلام را بمعنای واقعی کلمه  
عینیت بخشید و ما را از خواب غفلت بیدار کرد .

سلام بر شما برادران عزیز که انشاء الله ا دامه دهندگان راه  
خونین اما مان خصوصا " امام حسین (ع) می باشید . امروز  
فریاد حسین را می شنویم (هل من ناصر ینصرنی) حسین از ما که  
خود را شیعه علی می خوانیم انتظار دار د دنیا را سرا سر کربلا کنیم .  
اکنون پرچم اسلام در دست فرزند حسین دیده می شود و یزدیان  
دیوانه و ا را ز هر طرف حمله می کنند (حمله سیاسی ، حمله اقتصادی  
حمله نظامی) و قصد متفرق نمودن یا ران خمینی را دارند و  
ننگ و نفرین بر ما اگر بر چنین ذلتی تن دهیم .

پروردگارا ، ما را به راه راست هدایت فرما و زشتیها و پلیدی-  
ها را از ما دور گردان . برادران عزیز قصد نوشتن نامه ندا شتم  
ولی به یاد حدیثی از حضرت رسول (ص) افتادم که می فرمایند  
وقتی در سفر هستی دوستان و آشنایان خود را با نامه یاد کنید و  
نیز با توجه به اینکه در این شهرستان تماس تلفنی بسیار مشکل

است شروع به نوشتن نامه نمودم و میدوادم خداوند توفیق خدمت  
خالصانه در راهش را به همه ما عطاء فرماید .

### چند تذکر :

۱- با توجه به اینکه خداوند مدت زندگی ما را در دنیا  
مشخص نمی نماید و ممکن است دیدار به قیامت بیفتد و انشاء الله  
افتخار شهادت نصیب ما گردد و وصیت نامه ای زمان اعزاز  
اصفهان نوشته ام و به یکی از دوستان سپرده ام همان وصیت نامه  
مورد تأیید است .

۲- برادران عزیز کردستان را فرا موش نکنید، کردستان  
را فرا موش نکنید کردستان، خونستان است . کردستان مهم -  
ترین نقطه آمریکا است و انشاء الله کردستان گورستان  
آمریکا است .

با تمام ضعف های که در ابعاد عقیدتی، سیاسی، نظامی داریم  
موظفیم کردستان را از چنگال مزدوران آمریکا خارج نمائیم  
کردستان احتیاج به کسانی دارد که با صبر و مقاومت قصد اصلاح  
داشته باشند .

۳- برادران عزیز گاهی اوقات اعمال خود را با معیارها و  
ضوابط اسلامی مطابقت نمائید و سعی در اصلاح اعمال اشتباه  
خود داشته باشید قبیل از آنکه اشتباهات دیگران را مطرح نمائید

والسلام - احمد اقتداری

۱۳۶۰/۹/۱۱

## بسم الله الرحمن الرحيم

در آخرین نامه خود سفارشات زیرا را تاکید می‌کند. در جایی از این نامه شهید اقتداری می‌گوید:

امیدوارم که همه ما تا آخرین قطره خونمان یاران راستین اسلام و امام زمان حضرت مهدی (عج) و نایب الامام خمینی باشیم و فرزندانمان را اینچنین تربیت نمائیم. و بدنبال آن اشاره به نکات زیر می‌نماید.

مواظب دروس بچه‌ها باشید.

نماز، قرآن و تظاهرات را فراموش نکنید و شما برادران حتی الامکان در نماز جمعہ شرکت کنید و در پشت جبهه یاران خوبی برای اسلام باشید. تا امام زمان از شما راضی و خوشنود باشد. تربیت فرزندان بسیار با اهمیت دانسته و وصیت می‌کند که:

وتوای خواهرها امیدوارم بتوانی مثل زینب (ع) در حدی پائین تر زیرانمی‌توانی مثل او باشی زندگی کنی و انشاء... نمونه یک زن مسلمان باشی و کوشش نمائی فرزندان خوب تربیت نمایی.

در جایی دیگر شهید احمد اسرا را عزیزتر از امام موسی کاظم ندانسته و آنها را اسیر نمی‌شمارد بلکه اسیر را تعبیری چنین دارد:

کسانیکه زندگی مادی دنیایی را دوست دارند و به دنیا وابسته اند اسیرند بر اوستی ایکاش ما اسیر نشویم.

آنگاه برادر احمد به مسئله وحدت توجه می‌دهد و می‌گوید:

به بچه‌های مسجد سلام برسانید و به آنها بگوئید وحدت خود را حول محور ولایت فقیه حفظ نمایند و مواظب نقشه‌های شیطانی عوامل آگاه و ناآگاه آمریکا باشید. که پس از تفرق پشیمانی سودی ندارد.

و در انتها به ما اسیران دنیائی و یا به حیرت ماندگان اظهار میدارد:

مادران فرزندان را تشویق کنند به جبهه‌ها بروند. زیرا حسین (ع) در کربلا منتظر رشادتهای جوانهای پاک و برومند اسلام است.

وجه زیباست ما نیز همراه حنظله ابن اسعد شبامی یار باوفای حضرت ابا عبدالله سیدالشهدا صدا سودهیم و بر او سلام گوئیم:

سلام بر تو ای ابا عبدالله درود خداوند بر تو و خاندان تو باد خداوند در بهشت ما را با تو قرار دهد. و میان ما و شما آشنایی برقرار سازد.

من جوانم جان فدای دین کنم  
هنگر اسلام را با خون خود رنگین کنم  
این ندای شهداست از زمین کربلا  
با مرگ سرخین برپا شود دین

X

## آخرین یادداشت

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیدزقتهم الله  
رزقا حسنا وان الله لهو خیر الرازقین سیدخلنهم مدخلا یرفبونه  
وان الله لعلم حلیم .  
سوره حج آیات ۵۸ و ۵۹

و آنانکه در راه خدا هجرت نمودند و سپس کشته شدند و یا مردند و هر آینه  
خدا ایشانرا روزی نیکو دهد بدرستی که خدا هر آینه بهترین روزی  
دهنده است هر آینه داخل میکند ایشانرا در جایگاهی که رضایت  
داشته باشند بدرستی که خدا هر آینه دانای بردبار است .

سه شنبه: ۶۱/۹/۱۷ از نظر روحی حالی پیدا کرده بودم و احساس  
میکردم که پیوستن به لقاء الله نزدیک است ولی زمان شروع  
عملیات دیگر آن حالات گذشته را نداشتم که فهمیدم این بار نیز  
افتخار شهادت را نمی یابم .  
خدا یا راضی به رضای تو هستم .

پیشنوای دوست بغیر از تو مرا یاری هست  
یا شب و روز به جز فکر تو ام کاری هست  
به کمند سر زلفت نه من افتادم و بس  
که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست

والسلام - جمعه ۶۰/۹/۲۰

و

شهادت ۶۰/۹/۲۲

